



علامه و عرفان

بررسی آموزه‌های عرفانی
در آثار علامه طباطبائی

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ

وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ

عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

حجرات (۴۹)، ۱۳



- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
عنوان دیگر
موضوع
موضوع
موضوع
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
- : نوروژی، غلامرضا، ۱۳۵۵ -
: علامه و عرفان: بررسی آموزه‌های عرفانی در آثار علامه طباطبایی / غلامرضا نوروژی.
: قم: نشر ادیان، ۱۴۰۳.
: ۲۶۰ ص
: نشر ادیان؛ ۲۱۴. مجموعه اخلاق و عرفان؛ ۳۵.
: ۹۷۸-۶۲۲-۷۹۶۷-۲۴-۵
: فیبا.
: کتابنامه. ص. [۲۵۳] - ۲۶۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
: بررسی آموزه‌های عرفانی در آثار علامه طباطبایی.
: طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ -- عرفان
Tabatabai, Sayyed Muhammad Husayn-- Mysticism
: طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ -- نقد و تفسیر
Tabatabai, Sayyed Muhammad Husayn-- Criticism and Interpretation
: عرفان Mysticism
: ۲۸۶ / ۸ع ۱ / ۸ع ۸ BP
: ۲۹۷ / ۸ع ۳
: ۹۵۵۵۷۶۹

علامه و عرفان

بررسی آموزه‌های عرفانی
در آثار علامه طباطبائی

غلامرضا نوروزی



نشر ادیان

۱۴۰۳



قم، پردیسان، روبه‌روی مسجد امام صادق (علیه‌السلام)، دانشگاه ادیان و مذاهب.
تلفن: ۱۳-۰۲۵-۳۲۸۰۲۶۱۰، ۰۲۵-۳۲۸۰۳۱۷۱،
تلفکس مرکز پخش و فروش: ۰۲۵-۳۲۸۰۶۶۵۲
فروشگاه اینترنتی:

[@Libadyan](#)

www.Adyanpub.com

علامه و عرفان

بررسی آموزه‌های عرفانی در آثار علامه طباطبایی

- نویسنده: غلام‌رضا نوروزی
- ناشر: ادیان
- نوبت چاپ: اول، بهار ۱۴۰۳
- طراح: مهدی محمدی شجاعی، شهرام بردبار
- صفحه‌آرا: زهرا رحیم‌پور
- چاپ: موسسه بوستان کتاب
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- مرجع قیمت: وب‌سایت رسمی انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۹۶۷-۲۴-۵

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

تقدیم به

روح ملکوتی امام جعفر صادق علیه السلام که طریق اصیل نشر معارف
دین و قرآن را برای سالکان این راه، ماندگار کردند.

فهرست

پیشگفتار ۱۱

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱. تبیین موضوع ۱۳
۲. تبیین مفهومی واژگان ۱۵
۲. ۱. عرفان ۱۵
۲. ۲. هستی‌شناسی عرفانی ۱۶
۲. ۳. خداشناسی عرفانی ۱۷
۲. ۴. انسان‌شناسی عرفانی ۱۷
۳. شرح حال اجمالی و آثار علامه طباطبایی ۱۸
۳. ۱. زندگی ۱۸
۳. ۲. ویژگی‌های علامه طباطبایی ۲۰
۳. ۳. معرفی تفسیر المیزان ۲۹
۴. نگاه علامه طباطبایی به عرفان ۳۶

فصل دوم: هستی‌شناسی عرفانی از منظر علامه طباطبایی

۱. هستی ۶۵
۱. ۱. وحدت وجود ۶۶
۱. ۲. وحدت شخصی وجود ۶۶
۱. ۳. احاطه وجودی خداوند بر موجودات ۷۱

۱. ۴. احاطه وجودی، سبب احاطه علمی ۷۳
۱. ۵. رابطه خداوند با مخلوقات ۷۵
۲. تبلور یگانگی هستی در ساحت ربوبی و حقی ۸۳
۲. ۱. تعیین اول: مرتبه احدیت ۸۴
۲. ۲. تعیین ثانی: مرتبه واحدیت ۸۵
۲. ۳. تفاوت وحدت در واحدیت با احدیت ۸۸
۲. ۴. اعیان ثابتة ۹۱
۲. ۵. علم پیشین الهی به مخلوقات در برخی آیات ۹۳
۲. ۶. علم پیشین الهی به مخلوقات در برخی روایات ۹۷
۲. ۷. بقای اعیان ثابتة در مقام فنا ۹۸
۲. ۸. نفس رحمانی ۱۰۲
۳. تبلور یگانگی هستی در ساحت خلقی ۱۰۳
۳. ۱. قوس نزول و صعود ۱۰۳
۳. ۲. ظاهر و باطن عالم ۱۰۵
۳. ۳. شهود ملکوت، عبور از ظاهر به باطن ۱۰۷
۳. ۴. شهود یگانگی و ملکوت هستی در قیامت ۱۱۲
۳. ۵. هماهنگی کتاب تکوین و تدوین ۱۱۴
۳. ۶. تمثیل به نفس در تبیین تعینات ربوبی ۱۱۶

فصل سوم: خداشناسی عرفانی از منظر علامه طباطبایی

۱. توحید ۱۲۱
۱. ۱. فطری بودن توحید ۱۲۳
۱. ۲. سیر مراتب توحید تا رسیدن به مقام ولایت الهی ۱۲۵
۲. وحدت و اطلاق ذات الهی در آیات و روایات ۱۳۰
۲. ۱. وحدت در مقام ذات ۱۳۱
۲. ۲. وحدت حقه حقیقیه، لازمه نفی وحدت عددی ۱۳۲
۲. ۳. وحدت غیر عددی در آیات ۱۳۴

۲. ۴. وحدت غیر عددی در روایات ۱۳۹
۳. نظام اسمائی ۱۴۹
۳. ۱. معنای اسم و صفت ۱۴۹
۳. ۲. رابطه اسماء با خداوند ۱۵۱
۳. ۳. رابطه اسماء با موجودات ۱۵۳
۳. ۴. تناسب اسماء با مفاهیم ۱۵۵
۳. ۵. انواع اسماء الهی ۱۵۷
۳. ۶. مراتب اسماء و تأثیر آنها در موجودات ۱۶۰
۳. ۷. اسم اعظم ۱۶۱
۳. ۸. روابط میان اسماء ۱۶۳
۳. ۹. اثبات اسماء الهی در برخی روایات ۱۶۶
۳. ۱۰. نفی صفات، لازمه توحید احدی ۱۶۹
۳. ۱۱. روایاتی دال بر نفی صفات از خداوند ۱۷۱

فصل چهارم: انسان شناسی عرفانی از منظر علامه طباطبایی

۱. انسان در اندیشه علامه طباطبایی ۱۷۷
۱. ۱. جایگاه انسان در هستی ۱۷۸
۱. ۲. جامعیت انسان و سنگین ترین امانت ۱۷۹
۱. ۳. خلیفه‌اللهمی مقامی بالقوه برای جمیع افراد بشر ۱۸۱
۱. ۴. خلافت حقیقی، تجلی کمالات حق در انسان ۱۸۳
۱. ۵. برتری تکوینی انسان ۱۸۴
۱. ۶. کرامت انسان ۱۸۶
۱. ۷. انسان و فطرت توحیدی ۱۸۸
۱. ۸. روح و بدن انسان ۱۸۹
۱. ۹. روح انسانی از عالم امر ۱۹۰
۱. ۱۰. فقر ذاتی انسان و غنای ذاتی حق ۱۹۲
۱. ۱۱. سعادت و شقاوت انسان ۱۹۴
۱. ۱۲. اعمال و رفتار ظاهری انسان ۱۹۷

۱۹۸	۲. عبودیت و بندگی انسان.....
۱۹۸	۲. ۱. حقیقت عبودیت انسان.....
۲۰۰	۲. ۲. انسان و حب الهی.....
۲۰۷	۲. ۳. رابطه عبودیت و اخلاق.....
۲۰۸	۳. انسان و معرفت نفس.....
۲۰۹	۳. ۱. معرفت نفس از نگاه علامه طباطبایی.....
۲۱۱	۳. ۲. معرفت انفسی و آفاقی.....
۲۱۳	۳. ۳. معرفت نفس و معرفت رب.....
۲۱۸	۳. ۴. پیمودن راه نفس، طریقی اضطراری.....
۲۲۳	۴. کمال انسان.....
۲۲۴	۴. ۱. تعالیم اسلام و تعالی انسان.....
۲۲۶	۴. ۲. نقش زهد و ریاضت در کمال انسان.....
۲۲۹	۴. ۳. فنای نفس و کمال انسان.....
۲۳۲	۴. ۴. انسان کامل.....
۲۳۳	۴. ۵. کمال استجلا و مظهریت در انسان کامل.....
۲۳۴	۴. ۶. مقام ولایت، ویژگی انسان کامل.....
۲۴۰	۴. ۷. مراتب کمال یافتگان.....
۲۴۲	۴. ۸. درجات قرب بندگان.....
۲۵۳	منابع.....

پیشگفتار

بی‌شک قرآن کریم سرچشمه اصیل‌ترین معارف و حقایق هستی و کامل‌ترین راه معرفت حق است. از این‌رو این پژوهش به این مسئله اهتمام خاص دارد و چون علامه طباطبایی به این مطلب توجه کامل داشته و از معرفت و شناخت عرفانی فراوانی نیز بهره‌مند، و از استادان فن در دو عرصه عمل و نظر بوده است، جا دارد از این زاویه نیز آثار ایشان بررسی تا ابعاد معرفتی و عرفانی این عالم وارسته بیش از پیش آشکار، و به جامعه علمی دینی عرضه شود. در عصری که رویکرد به معنویت، به نحو عام، و معرفت و معنویت، به نحو خاص، و آموزه‌های اسلام ناب عرفانی شیعی، به نحو اخص، محل توجه قرار گرفته، مناسب است با کاوش در آثار بزرگ‌مردی چون علامه طباطبایی، آموزه‌های عرفانی اصطیاد شود و به تشنگان حقیقت عرضه گردد. با عنایت به جایگاه علامه طباطبایی در آموزه‌های فلسفی، تفسیری و حدیثی، ممکن است به آموزه‌های عرفانی ایشان کمتر توجه شود؛ در حالی که علاوه بر کتب عرفانی و رسائل معرفتی، در تفسیر المیزان نیز آموزه‌های عرفانی بسیاری وجود دارد که شرح و بیان آنها، خود جنبه‌ای از نوآوری است. همچنین، نظام‌بخشیدن به مجموعه آرای عرفانی علامه طباطبایی ساختار جدیدی از بیان اندیشه‌های ایشان است؛ به‌ویژه مطرح کردن مسائلی چون نظام اسمانی و مراتب تأثیر آنها در هستی و مباحث مربوط به معرفت نفس را نیز می‌توان از دیدگاه‌های جدید و متمایز علامه دانست. لذا برای بیان دیدگاه‌های عرفانی ایشان و معرفی علامه طباطبایی به عنوان شخصیتی عرفانی، این پژوهش در افراد و افراز

آموزه‌های عرفانی از آثار علامه همت گماشته و در صدد است در حد وسع بتواند این امور را به نحو استقلالی به تصویر بکشد، گرچه عمق و غنای فکری علامه از یک طرف و صعوبت آموزه‌های عرفانی از طرف دیگر، موجب می‌شود کار، تمام‌شده تلقی نشود؛ برای نگارنده و دیگر محققان در این عرصه، مسائل متعددی باقی خواهد بود. این اثر که رساله نگارنده در مقطع دکتری رشته تصوف و عرفان اسلامی بوده، به راهنمایی حجت‌الاسلام دکتر محمدمهدی گرجیان، و مشاوره آقایان دکتر مجید معارف و حجت‌الاسلام دکتر رضا الهی‌منش در سال ۱۳۹۵ در دانشگاه ادیان و مذاهب دفاع شده و اینک در قالب کتاب پیش روی مخاطبان ارجمند قرار گرفته است.



کلیات و مفاهیم

۱. تبیین موضوع

علامه محمدحسین طباطبایی اصیل‌ترین معارف و حقایق هستی و کامل‌ترین راه معرفت را در کلام حق جست‌وجو کرده است. کاوش در آثار ایشان، ما را نیز به این حقیقت راه می‌برد که جز در سایه کلام الهی و معارف اهل بیت علیهم‌السلام نمی‌توان چهره‌ای زیبا از عرفان ناب اسلامی مشاهده کرد. ایشان معتقد است هر آنچه برای رسیدن به سعادت نیاز بوده شریعت اسلام بیان کرده است. بُعد عرفانی شخصیت علامه طباطبایی و نیز معرفت شهودی، به عنوان یکی از راه‌های کسب معرفت و شناخت، در غنابخشی به آثار ایشان مؤثر بوده و جلوه‌گر است. علامه شخصیتی ذووجه در علوم مختلف بود. آثار ایشان نیز مؤید این مطلب است. از جمله تفسیر شریف المیزان که از مهم‌ترین تفاسیر تاریخ تشیع، بلکه اسلام است، به علت اشراف و تضلع نویسنده‌اش، مزیت‌ها و محاسن ویژه‌ای دارد که از آن جمله می‌توان از رویکردهای عرفانی نام برد؛ علامه گاه مفاهیم عرفانی را با اشاراتی بیان کرده و گاهی هم به مقتضای بحث، از برخی اصطلاحات عرفانی نام برده، اما خود را ملزم به تبعیت همه‌جانبه از آنها نکرده است. اغلب، بدون اینکه از اصطلاحات خاص عرفا تبعیت کند، بسیاری از

همان معارف را با عبارات خود، به نوعی بیان کرده است. در عرصه معرفت‌شناسی، علاوه بر عقل و حس و تجربه، ابزارهای شهود و وحی را دورکن رسیدن به حق دانسته است. در عرصه خداشناسی، با بیان دیدگاه وحدت شخصی وجود، مراتب هستی را بر پایه صدور فیض از حق تعالی ترسیم کرده است؛ لذا بُعد حقی و بُعد خلقی، هر یک به عوالمی به مقتضای استعدادشان در قبول فیض، قابل نام‌گذاری خواهد بود. ایشان وحدت ذات الهی را وحدت اطلاقی و غیرعددی نامیده و نظام اسمائی را تبیین کرده است. در عرصه هستی‌شناسی بارها از حوزه هستی‌شناسی فلسفی متداول گام را فراتر می‌نهد، به گستره هستی‌شناسی عرفانی ورود می‌کند و آن را شرح می‌دهد. ایشان معتقد است نگاه عارفانه به هستی، انسان را به جایی می‌رساند که نه فقط برای عالم، وجودی مستقل نخواهد دید، بلکه خود را نیز فانی در حق یافته، شهودش در عین فنایش معنا می‌یابد. در عرصه انسان‌شناسی هم رویکرد عرفانی ایشان مشهود است. انسان را کون جامع، و جامع جمیع اسماء الهی و دارای مقام خلیفه‌اللّهی می‌داند و نقش بی‌بدیلی برایش قائل است که البته در صعود و سقوط، نامحدود، و در عین حال، مستعد نیل به مقام ولایت الهیه و بالاترین کمالات لحاظ می‌کند و نیز راه نفس را بهترین راه معرفت رب می‌داند.

آثار گوناگونی درباره علامه طباطبایی و شخصیت علمی ایشان وجود دارد، اما این پژوهش صرفاً بر پایه شخصیت عرفانی ایشان سعی دارد با در نظر گرفتن علامه به عنوان سالک و عارفی که نوشته‌هایش برگرفته از روح سالم و کشف حقیقی او است، ابعاد گوناگون معرفت‌شناسی، خداشناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی عرفانی او را بررسی کند. کلیه آثاری که راجع به اندیشه علامه طباطبایی نگاشته شده می‌تواند به نحوی در رسیدن به اهداف این پژوهش مؤثر باشد و در آنها، نکات مفیدی راجع به امور جزئی بحث ما وجود دارد، اما کتاب یا مقاله‌ای که هدف موضوع ما را کاملاً محقق کند در میان نوشته‌ها سابقه‌ای

ندارد. در عین حال، چون در بسیاری از مراکز علمی، از علامه به عنوان شخصیتی فلسفی یاد می‌شود، لذا این پژوهش ضمن بررسی آثار ایشان، خصوصاً تفسیر المیزان، بررسی شخصیت عرفانی ایشان را با نگاهی عمیق‌تر ضروری می‌کند و در صدد است جامعه علمی و رهپویان سلوک الی الله را با اندیشه‌های این مرد بزرگ و الهی بیشتر آشنا کند و فصل جدیدی در پژوهش‌هایشان بگشاید. بر این اساس، می‌کوشیم با رصدکردن آموزه‌های عرفانی در آثار علامه طباطبایی، به‌ویژه اثر مذکور، حضور این آموزه‌ها را در این آثار گران‌قدر تبیین کنیم.

۲. تبیین مفهومی واژگان

۲.۱. عرفان

برخی «عرفان» را چنین معنا کرده‌اند: «العرفان هو العلم بالله سبحانه من حیث أَسْمَائِهِ وَصِفَاتِهِ».^۱ «عرفان» معرفت و ویژه‌ای است به اسماء و صفات حق، و این معرفت فقط از طریق تزکیه نفس و شهود باطنی به دست می‌آید. عرفان را به دو بخش نظری و عملی تقسیم کرده‌اند؛ عرفان نظری عبارت است از بیان قواعد و ضوابط کشف و شهود، و عرفان عملی یعنی سیر و سلوک و وصول و فنا.^۲ عرفانی که بر اساس آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام شکل گیرد، بدون آنکه دست به تفسیرها، استحسان‌ها، تأویلات و تطبیقات خاصی بزند و گرفتار راه و روش صوفیانه، باطنیه و تأویل‌گرایان شود، با تکیه بر قرآن و سنت و فهم لایه‌های باطنی آیات و احادیث و درک و دریافت آداب و اسرار شریعت، به رابطه ظاهر و باطن، عبارت و اشارت، لطافت و حقیقت و جهان‌های تودرتوی معارف و حیانی می‌پردازد و می‌تواند «عرفان ناب اسلامی» را پیش‌نهد و اصالت را به قرآن و

۱. قیصری، رسائل قیصری، ص ۶.

۲. کاشانی، شرح منازل السائرین، ص ۵۶۵.

عترت دهد و عرفان را از چنین منابع زلالی کشف کند و عرفان موجود را نیز در پرتو آموزه‌های قرآنی و سنت و سیره نبوی و اهل بیته تفسیر، نقد و تحلیل کند. لذا می‌توان گفت قرآن که آیاتش از رابطه ذات باری تعالی و اسماء و صفاتش سخن می‌گوید، بهترین و کامل‌ترین منبع عرفان به شمار می‌رود که در سایه‌سار کلام معصوم، معرفت اصیل حق را نتیجه خواهد داد.

۲.۲. هستی‌شناسی عرفانی

هستی‌شناسی عرفانی نوعی جهان‌بینی است که در آن، محور، خدا است و هستی، استقلال از خود ندارد و عین ربط به خدای متعال انگاشته می‌شود. در نتیجه، همه عالم از آن حیث که علامت است و نشانه، مظاهر و تجلیاتی است از آن ذات باری تعالی. عارفان، در علت ایجاد هستی، بر حدیث قدسی «کنْتُ کَنْزاً مَخْفِیًّا»^۱ تأکید فراوان دارند و عامل حب را منشأ بروز کمالات و شئون ذاتی حق می‌دانند. لذا بر این اساس هر آنچه در ذات حق نهفته بوده ظهور یافته و کمال اسمانی در تعین ثانی و تعینات خلقی تحقق می‌یابد.^۲ شناخت ارتباط نظام هستی با خداوند در قوس صعود و پیوند خدای سبحان با جهان در قوس نزول و کیفیت صدور کثرات عالم از ذات حق و تبیین مظاهر اسماء و صفات الهی و افعال او در نظام خلقت از جمله مسائل این نوع هستی‌شناسی است. در این نگرش، عرفان بیش از یک وجود را نفی می‌کند و همه موجودات را از حقیقت وجود، تهی می‌شمرد و آنها را فقط شئون و احوال وجود حق تعالی می‌داند. در واقع، در هستی‌شناسی عرفانی، این تجلی و ظهور است که جایگزین علت ایجاد فلسفی شده است.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۹۸.

۲. امینی‌نژاد، آشنایی با مجموعه عرفان اسلامی، ص ۲۹۳.

۳.۲. خداشناسی عرفانی

در خداشناسی عرفانی، خدا کمال مطلق، مبدأ و مقصد همه هستی و حقیقت دارای سریان در همه مراتب هستی انگاشته می‌شود. توحید، اصل اصیل و محور مهم دعوت عموم انبیا و اولیا است که چون پایه و اساس همه عقاید و اعمال و احکام دینی ما شمرده می‌شود، بیشترین آیات قرآنی و احادیث و روایات را به خود اختصاص داده است. در عرفان اسلامی نیز مهم‌ترین مسئله، نگاه ویژه عرفا به خدای متعال است که از آن به «وحدت شخصیه» یاد می‌شود که البته برداشت‌های نادرستی نیز از این مسئله مانند حلول و اتحاد، همه‌خدایی و پوچ‌بودن غیرخدا شده است. وحدت شخصیه وجود در نگاه عرفا، در واقع، عبارت از وجود شخصی بی‌نهایتی است که تمام هستی را پر کرده است، به طوری که جایی برای موجود دوم و ... نیست و آن همان وجود حق تعالی است. لذا اهل معرفت، تشکیک در اصل وجود را نمی‌پذیرند و اختلاف ممکنات و کثرات عالم را از سر تشکیک در ظهور وجود می‌دانند نه نفس آن.^۱

۴.۲. انسان‌شناسی عرفانی

در عرفان اسلامی، انسان به عنوان مظهر جامع جمیع اسماء الهی (کون جامع) و دارای مقام خلیفه‌اللهی معرفی می‌شود. عنصر اصلی موضوع انسان‌شناسی عرفانی نیز در واژه «ولایت» متجلی است که به معنای اتصال به عالم ماورای طبیعت، اطلاع بر حقایق باطنی و بالاتر از معنای یقین، یعنی رؤیت حق، مأخوذ است. «ولایت عامه» به این معنا است که ولی‌الله‌شدن مقامی است که باب آن برای همه افراد مفتوح است و در واقع، مقصد همه شرایع الهی رساندن انسان به ولایت است.

از نگاه عرفان، خدای متعال در مقام استجلا در هر چیزی به حد و اندازه خود آن چیز ظهور می‌کند و جز انسان، موجودی نبوده که بتواند به سبب ظرفیت

۱. نک.: قیصری، شرح فصوص الحکم، ص ۶.

و استعداد بی‌کرانش همه اسماء و صفات و کمالات خداوندی را به ظهور درآورد. یعنی کمال استجلا در او صورت گرفته است. لذا گاه انسان را «عالم صغیر» و عالم را «انسان کبیر» گفته‌اند.^۱ انسان در عرف عرفان، روح جهان و جان عالم امکان، مجموعه صورت جهانیان و غایت نزول قرآن است. شیخ محمود شبستری می‌گوید: «چون انسان مظهر اسم جلال و جمال است، لذا در قرآن یک واژه نمایان است و آن کلمه «انسان» است. قرآن نیز صورت کتبی و عالم، صورت تکوین انسان است».^۲

۳. شرح حال اجمالی و آثار علامه طباطبایی

۳.۱. زندگی

زندگی‌نامه علامه طباطبایی را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد: الف. دوره کودکی و نوجوانی که در تبریز سپری شد؛ ب. دوره تحصیل در حوزه علمیه نجف؛ ج. دوره بازگشت به تبریز و اشتغال به کشاورزی؛ د. دوره هجرت به قم و تدریس و تألیف و نشر معارف دینی.

الف. دوره کودکی و نوجوانی

محمدحسین طباطبایی در سال ۱۲۸۱ ه.ش. (۱۳۲۱ ه.ق.) در تبریز متولد شد و در پنج‌سالگی مادر و در نه‌سالگی پدرش را از دست داد. وصی پدرش از محل ارث پدر برایشان یک پرستار زن و یک پرستار مرد استخدام می‌کند و او و تنها برادرش، علامه الهی، را برای تحصیل به مکتب می‌فرستد. تحصیلات ابتدایی و تحصیلات علوم دینی را تا سال ۱۲۹۶ ه.ش. به پایان رساند. در این دوره با قرآن، گلستان، بوستان، نصاب الصبیان، اخلاق مصور، انوار سهیلی، تاریخ معجم و دیگر کتاب‌های متداول آن دوره آشنا شد.^۳

۱. همان، ص ۶۷.

۲. طباطبایی، شرحی بر گلشن راز، ص ۱۳۲.

۳. طباطبایی، بررسی‌های اسلامی، ص ۸.

ب. حوزه علمیه نجف

علامه طباطبایی بعد از تحصیل در مدرسه طالبیه تبریز همراه همسر و برادرش به نجف اشرف مشرف شد و ده سال تمام ضمن تحصیل علوم دینی و کمالات اخلاقی، معنوی، عرفانی و فلسفی، آثاری در حکمت و کلام نگاشت. او در حوزه علمیه نجف معلوماتش را در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی تکمیل کرد؛ فقه و اصول را نزد میرزای نایینی، محمدحسین غروی اصفهانی و سید ابوالحسن اصفهانی، علم رجال را نزد سید محمد حجت کوه‌کمری، فلسفه را نزد سید حسین بادکوبه‌ای، ریاضیات و هندسه را نزد آقا سید ابوالقاسم خوانساری، و اخلاق و عرفان را از سید علی قاضی طباطبایی آموخت.^۱

ج. بازگشت به تبریز

علامه طباطبایی هنگامی که در نجف مشغول تحصیل بود، به علت تنگی معیشت و نرسیدن مقرری که از ملک زراعی‌اش در تبریز به دست می‌آمد، در سال ۱۳۱۴ مجبور به بازگشت به زادگاهش تبریز شد و در قریه شادآباد تبریز به کشاورزی مشغول گردید. ایشان این دوره را دوره خسران روحی‌اش می‌نامید. زیرا از تدریس و تفکر علمی بازمانده بود.^۲ تعدادی از کتاب‌ها و رساله‌هایش همچون رساله اثبات ذات، اسماء و صفات، ولایت، نبوت، الانسان قبل الدنيا، الانسان فی الدنيا و الانسان بعد الدنيا، حاصل تفکرات این دوره است.^۳ همچنین، تفسیر مختصری از ابتدای قرآن تا سوره اعراف در این دوران گزارش شده است.^۴

۱. طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۳.

۲. شمس، سیری در سیره علمی و عملی علامه طباطبایی، ص ۳۵.

۳. همان، ص ۸۰.

۴. حسینی طهرانی، مهر تابان، ص ۶۳.

د. مهاجرت به قم

علامه طباطبایی بعد از مدتی اقامت در تبریز تصمیم گرفت به قم برود و بالأخره تصمیمش را در سال ۱۳۲۵ عملی کرد. ایامی که قصد مهاجرت از تبریز به قم داشت، تبریز در دست فرقه دموکرات بود و ورود و خروج از شهر به سختی انجام می‌شد. علامه به زحمت توانست جواز عبور بگیرد و به طرف قم حرکت کند. پس از ورود به قم در محله یخچال قاضی اقامت گزید. ابتدا درس خارج فقه و اصول را آغاز کرد، اما وقتی متوجه شد مباحث تفسیر و فلسفه برخلاف فقه و اصول رونق چندانی ندارد و افکار الحادی در جامعه و تحصیل کرده‌ها روزه‌روز در حال گسترش است، برنامه تدریسش را تغییر داد و به تدریس تفسیر و فلسفه روی آورد. سرانجام پس از ۸۱ سال و ۱۸ روز عمر بابرکت و زندگی پرتلاش، در ۱۸ محرم ۱۴۰۲ (۲۴ آبان ۱۳۶۰) روح پاک و الهی آن حکیم عارف و مفسر وارسته، رهسپار دیار ملکوت شد و پیکرش در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. علامه طباطبایی در طول عمر بابرکت و زندگی پرتلاشش میراثی گرانقدر بر جای گذاشت. اهم این میراث عبارت است از: تألیفات، خدمات و اصلاحات، اندیشه‌ها و شاگردان.^۱

۳.۲. ویژگی‌های علامه طباطبایی

ایشان شخصیتی الهی بود که با دو بال قرآن و عترت پرواز کرد؛ به بلندای جاودانگی و ابدیت رسید و برای همیشه اسطوره‌ای شکوهمند شد. در این قسمت نکته‌هایی از زندگی سراسر روشن او را به نقل از برخی شاگردان و نزدیکانش یادآور می‌شویم:

۱. خسروپناه، علامه طباطبایی فیلسوف علوم انسانی، ص ۵۳.